

بی‌صبري. شخص را از هیچ رنجی نمی‌رهاند. بلکه درد جدیدی را برای از پا در آوردن او به وجود می‌آورد.

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره ۱۴۸۰: شنبه ۲ حوت/ اسفند ۱۳۹۳: جمادی الاول ۱۴۳۶: ۲۱ فبروری ۲۰۱۵

اهمیت توازن قومی  
در سه قوه دولت وحدت ملی

اساس دولت وحدت ملی در افغانستان، تعادل و توازن اقوام در رأس سه قوه می‌باشد. اگر مشارکت گسترده تمامی لایه‌های اجتماعی طی یک دوره نسبتاً طولانی را در چارچوب دولت مشترک، بالای سرزمین مشترک، از فکتورهای زیربنایی دولت-ملت‌سازی بگیریم؛ پس طرح ایجاد دولت وحدت ملی با قاعده و قانونمند و با تعریف روشن یکجا با مولفه‌های...

ادامه صفحه ۷

## چرا رهبران

## دولت

## وحدت ملی

## سراسیمه هستند

؟

صفحه ۶



## از بوعزیزی تا فیروز

## آیا وجدان‌های خوابیده بیدار خواهد شد؟

در نتیجه مرگ بوعزیزی در تونس، ده‌ها میلیون انسان به پا خاستند و خواهان عدالت شدند؛ اما به نظر می‌رسد مرگ فیروز در کابل، بازتاب آنچنانی نداشته است؛ چه رسد به این‌که دگرگونی‌یی را در جامعه افغانستان به وجود آورد. او خودش را آتش زد تا عدالت در جامعه ما برپا شود و دامن ظلم، بی‌عدالتی و خودسری برچیده شود. اما شوربختانه روحیه جمعی نشان می‌دهد که دست‌یافتن ما به آرمان‌های بزرگی که فیروز در سر می‌پروراند و خودش را به خطر آن آتش زد، دشوار و حتا ناممکن است

صفحه ۹



## وزیر داخله پاکستان:

## هیچگاه با کابل این قدر صمیمی نبودیم



پاکستان در هیچ دوره‌یی به این خوبی نبوده است و این تحول بسیار مثبتی است. رفت و آمدهای فراوان مقامات عالی سیاسی و نظامی میان افغانستان و پاکستان از زمان آغاز ریاست جمهوری اشرف غنی، حاکی از تحولی بزرگ و رو به جلو در روابط دو کشور همسایه است. جنرال راحیل شریف فرمانده ارتش پاکستان طی چند ماه اخیر سه بار به کابل سفر ...

ادامه صفحه ۶

اعتراض شهروندان  
بر افزایش قیمت برق

هارون مجیدی

شماری از شهروندان کابل، با ابراز نارضایتی از بلندرفتن صرفیه برق می‌گویند که ما نان خوردن نداریم؛ اما شرکت برشنا صرفیه برق را بلند برده است. این شهروندان می‌گویند که اگر دولت در این زمینه توجه نکند، آنان از برق استفاده نخواهند کرد. عزیزالله یکی از شهروندان...

ادامه صفحه ۷

## در برگ‌ها



آیا افغانستان از برزخ روابط با هند و پاکستان بیرون خواهد آمد؟

اندیشه‌های  
سیاسی  
در میان  
مسلماناندون ژوان؛  
اسطوره  
یا قربانیمری جدید تیم  
فوتبال افغانستان؛  
بازیکنانم را با  
فوتبال  
اروپا آشنا  
می‌کنم!

محمد اکرام اندیشمند

# آیا افغانستان

## از برزخ روابط با هند و پاکستان بیرون خواهد آمد؟



### سخن ماندگار

#### چرا عاقل کند

#### کاری که باز آرد پشیمانی؟

زمان همچنان می‌گذرد و با گذشت هر روز، امید مردم به اصلاح نظام و کمیسیون‌های انتخاباتی، بیشتر رنگ یأس به خود می‌گیرد. به نظر می‌رسد که حداقل در بخشی از دولت وحدت ملی عزم راسخی برای اصلاحات وجود ندارد و یا هم دست‌های پنهانی بی‌پشت وقت‌کشی‌ها در کار است؛ ورنه ایجاد یک کمیسیون مشترک و تعدیل قانون انتخابات و آوردن اصلاحات انتخاباتی، چندان قله بلند و دست‌نیافتنی نیست که دو تیم پُرمدعای «تحول» و «اصلاحات» از پس آن برنیایند! البته شکی نیست که گاهی استراتژی وقت‌کشی در زمینی که برنده و بازنده آن پیشاپیش معلوم است، بهترین و عقلانی‌ترین راهبرد ممکن است. برای مردمی که غم نان و غم جان و ده‌ها غم دیگر را هم‌زمان بر دوش دارند، راهبرد وقت‌کشی و به دقیقه نود محول کردن کارها، سبب می‌شود که مردم به حداقل‌ها قناعت کنند و به اصطلاح «به تب راضی شوند».

به تأخیر انداختن فرمان تقنینی رییس‌جمهور غنی برای ایجاد کمیسیون مشترک و مسایل مرتبطی مانند عدم شروع کار شناس‌نامه‌های الکترونیکی از موارد وقت‌کشی‌بی‌است که مردم را به عزم حکومت برای برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه مشکوک می‌کند.

از گزارش‌ها و گفته‌های مسولان پیداست که همه گویا منتظر فرمان رییس‌جمهور هستند. هرچند در هفته گذشته، دفتر معاونت دوم ریاست‌جمهوری، علت این تأخیر را در بررسی‌های مقدماتی برای «دقت در ساختن کارشویه و چارچوب وظایف و صلاحیت‌های اعضای این کمیسیون» عنوان کرده است؛ با این حال همه می‌دانند که این مطالعات هر قدر هم بوده باشد، باید بسیار پیشتر از این در پنج‌ماه گذشته عطایش به لغاتش بخشیده می‌شد.

با توجه به این‌که مطابق قانون اساسی افغانستان، مجلس نماینده‌گان جدید باید دوره کاری خویش را در اول سرطان سال آینده آغاز کند و بنا بر آن، انتخابات پارلمانی باید بین ۳۰ تا ۶۰ روز پیش از این تاریخ برگزار شود؛ به نظر می‌رسد که ما به اندازه کافی از تاریخ موعود عقب افتاده‌ایم و جایی هم برای تعلل سران دولت وحدت ملی باقی نمانده است. با این حساب، باید گفت که هر سهل‌انگاری و تعللی که منجر به تعویق انتخابات شود، به هیچ‌وجه توجیه‌پذیر نخواهد بود. در نتیجه، تعلل‌های بی‌مورد حکومت در ایجاد کمیسیون تعدیل نظام انتخاباتی بدون شک جفایی بیش در حق مردم و ثبات اجتماعی کشور نخواهد بود و از سوی دیگر، توجیه این دیرکردها هم از دید مردم چیزی جز عذر بدتر از گناه نیست. جدا از مسأله زمانی اصلاحات در نظام انتخابات، موضوع دامنه این اصلاحات هم از مسایل مهمی است که بدون شک می‌تواند بر سلامت انتخابات سال آینده اثر بگذارد؛ این در حالی است که به نظر می‌رسد در این حوزه هم اختلافات قابل ملاحظه‌یی میان دو فراقسیون موجود در حکومت وحدت ملی وجود دارد. این اختلاف‌نظرها گاهی چنان عمیق نمایان می‌شود که گویی ریشه به تعویق افتادن روند اصلاحات هم در همین‌جا نهفته است.

بعد از انتخابات سال جاری خورشیدی که از مرز رسوایی عبور کرد و کشور را عملاً به سرحد بحران کشانید، هرچند هر دو تیم بر اصلاحات در نظام انتخاباتی توافق کردند؛ اما حالا به نظر می‌رسد که حلقه ریاست‌جمهوری کمتر تمایلی به برکناری و جاگزینی مدیران ضعیف و پرحاشیه کمیسیون‌های انتخاباتی دارد. در جانب مقابل، تیم ریاست اجراییه ظاهراً علاوه بر برکناری آن‌ها، نسبت به محاکمه و مجازات متخلفان و متخاطبان آن‌ها هم بی‌میل نیست. در این میان، درز شدیدی میان دو تیم ظاهر می‌شود که به تعبیر معروف شکسپیر به «بودن یا نبودن؟ مسأله این است!» خلاصه می‌شود.

این مسأله «بودن یا نبودن» اگر از یک سو به کرسی تعدادی از اعضای کلیدی کمیسیون‌ها گره خورده، از سوی دیگر سری هم در پایه‌های متزلزل دولت و حکومت توافقی وحدت ملی دارد. به این معنا که مسأله «بودن یا نبودن» تنها مسأله کاری یک تعداد مأمور بلندپایه حکومتی نیست، بلکه در حقیقت موضوع مَهر تأیید و یا رد گذاشتن بر پیشانی انتخابات پُرنش پیشین بوده و است. تیم تحول، برکناری و «نبودن» این مسولان مسأله‌دار کمیسیون‌های انتخاباتی را، به معنای تیشه زدن بر ریشه مشروعیّت خود می‌داند. در آن سوی دیگر اما برای تیم اصلاحات و البته بسیاری از مردم، رفتن به انتخابات با این مدیران ناکارآمد به معنی گزیده شدن دوباره از سوراخی‌ست که همین دیروز گزیده شده‌اند...

ادامه صفحه ۶

روابط افغانستان با دو کشور هند و پاکستان که خصومت سنتی و تاریخی میان خود دارند، همواره چالش‌آفرین و پُر از سود و زیان بوده است. در حالی که افغانستان بر سر مرز طولانی با پاکستان یا مرز دیورند درگیر اختلاف و منازعه زمینی تاریخی‌ست، پاکستان اثرگذارترین کشور همسایه بر ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتا اجتماعی و فرهنگی افغانستان شمرده می‌شود.

نکته مهم و قابل بحث در واقعیت‌های موجود خصومت میان هند و پاکستان با توجه به اختلاف و منازعه دیورند میان کابل و اسلام‌آباد، نقش و موقعیت افغانستان است. آیا رابطه و سیاست افغانستان با دو کشور مذکور بر مبنای منافع ملی‌اش شکل گرفته است؟ آیا سیاست‌های افغانستان در این موقعیت، سیاست کسب منافع و دفع مضرات ارزیابی می‌شود یا بالعکس؟

هندوستان و پاکستان از همان آغاز تشکیل، به مثابه دو کشور متخاصم ظهور کردند. کشمیر به حیث عمده‌ترین موضوع منازعه و اختلاف میان آن‌ها بود که دو بار (۱۹۴۷ و ۱۹۶۵) بر سر آن با هم جنگیدند. سومین جنگ (۱۹۷۱) نیز بر سر بنگال بود که موجب تجزیه پاکستان و ایجاد کشور بنگله‌دیش شد.

برای کشور هند که از آغاز در خصومت با پاکستان قرار گرفت، افغانستان به عنوان همسایه پاکستان با داشتن اختلاف و منازعه مشابه کشمیر، بسیار بااهمیت و مورد توجه محسوب می‌شد؛ از این رو زمامداران هند در منازعه دیورند، جانب افغانستان را گرفتند و از این منازعه در جهت دشمنی با پاکستان سود بردند. به قول «زورور دولت‌سنگ» تحلیل‌گر روابط جهانی و امور استراتژیک در دهلی جدید: «سیاست سنتی هند در افغانستان، بر بنیاد منطق جیواستراتژیک نفی «عمق استراتژیک» پاکستان اساس گذاشته شده بود و بدین ترتیب، توجه اسلام‌آباد را از مرزهایش با هند، بیشتر به خط دیورند با افغانستان معطوف ساخته بود».

حکومت‌های هندوستان در تمام دوران منازعه میان پاکستان و افغانستان بر سر دیورند، از موقف رسمی افغانستان حمایت کردند. روابط

مقابل پاکستان به هیچ چیز دست نیافتند، ولی پاکستان از این رابطه در خصومت با افغانستان بهره‌گیری کرد. حتا زمامداران پاکستانی موفق شدند تا افکار عامه و ذهنیت بسیاری از حلقه‌ها و گروه‌های سیاسی و مذهبی پاکستان را در دخالت و خصومت علیه افغانستان به بهانه روابط کابل با دهلی نو، آماده و قانع کنند. اما دولت‌مداران افغانستان هیچ‌گاه موفق نشدند تا با اتخاذ یک سیاست دقیق و درست، از رقابت و خصومت هند و پاکستان در جهت منافع و مصالح افغانستان بهره بگیرند.

نکته دیگر در مناسبات هند و افغانستان، عدم ایستاده‌گی صادقانه دولت هند در جانب‌داری از سیاست افغانستان بر سر منازعه دیورند با پاکستان است. هندوستان در حد معینی در چهارچوب منافع خود، از موقف افغانستان در منازعه دیورند حمایت می‌کند. پس از تجزیه پاکستان و ایجاد کشور بنگله‌دیش، وقتی سفیر هند اعتمادنامه‌اش را در سال ۱۹۷۲ به شاه ایران تقدیم کرد، گفت: «ما نمی‌خواهیم پاکستان پیش از این تضعیف شود؛ چون به وجود آمدن کشورهای پختونستان و بلوچستان و غیره که تمام فقیر و گرسنه هم خواهند بود، دردسرهای بزرگتری در این منطقه به وجود می‌آورد.»

واقعیت‌های ناشی از منازعه دیورند و استفاده هندوستان در میدان دشمنی‌اش با پاکستان از این منازعه، نشان می‌دهد که افغانستان قبل از آن‌که پیروز این میدان باشد، قربانی این میدان است.

دولت پس از سقوط طالبان به ریاست حامد کرزی، با سیاست‌های احساسی و عاطفی، افغانستان را همچنان در برزخ روابط با هند و پاکستان معذب نگه داشت و در سایه این سیاست، افغانستان همچنان میدان جنگ نیابتی هند و پاکستان باقی ماند. اما حالا که دولت وحدت ملی با ریاست‌جمهوری اشرف غنی و ریاست اجرایی عبدالله عبدالله شکل گرفته است، باید منتظر ماند و دید که آیا رییس‌ان این دولت - به خصوص رییس‌جمهور غنی - با نگاه و سیاستی جدید و معطوف به عقلانیت و واقع‌گرایی، خواهند توانست افغانستان را از این برزخ بیرون آورند یا خیر!

کنفرانس مبارزه با تروریسم و افراط گرایی در واشنگتن

## تأکید بر نظارت بر انترنت



اعضای کشورهای شرکت کننده در نشست مبارزه با تروریسم و افراط گرایی در واشنگتن بر لزوم اتخاذ استراتژی یکپارچه و نظارت بر اینترنت به منظور مقابله با تروریست‌های داعش تأکید کردند.

الکساندر پورتیکوف، مدیر اداره امنیت و اطلاعات فدرال روسیه در جریان این نشست بر امکان تبادل اطلاعات میان مسکو و واشنگتن در خصوص مبارزه با تروریست‌های داعش تأکید کرد. وی اظهار کرد: راهکارهای ویژه برای مبارزه تروریسم نقش بسزایی در تحقق نتیجه چشمگیر و قابل ملاحظه دارد.

پورتیکوف عنوان داشت: یک تفاهم کلی میان شرکا وجود دارد و تبادل اطلاعات میان آنها به منظور تعیین مواضع حملات تروریستی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی همچنین به خطرات ناشی از رویدادهای اخیر که انگیزه‌ای جدی برای یکپارچگی تلاش‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم به شمار می‌رود اشاره کرد.

در همین حال جان کری، وزیر خارجه آمریکا با بیان اینکه جهان با موج بزرگی از افراط گرایی رو به رو است، بر لزوم به کارگیری استراتژی یکپارچه برای مبارزه با تروریسم تأکید کرد. وی گفت: آمریکا برای مقابله با گسترش تروریسم و افراط گرایی در جهان پایبند است و چاره‌ای جز اتخاذ استراتژی یکپارچه برای رویارویی با این پدیده وجود ندارد. واشنگتن و شرکای آن برای تقویت همکاری به منظور مقابله با پیشرفت گروه‌های افراطی تلاش می‌کنند و مانع کمک رسانی به این گروه‌ها خواهند شد.

کری همچنین بر اهمیت نظارت بر اینترنت و پایگاه‌های اینترنتی تندرورها که به پیوستن به این افکار افراط‌گرایانه فرا می‌خواند، تأکید کرد.

از سوی دیگر بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل گفت: بشریت در قرن ۲۱ با بزرگترین خطر رو به رو است. گسترش پدیده تروریسم بر امنیت و ثبات جهان تأثیر خواهد بود.

بان کی مون با تأکید بر اینکه هیچ توجیهی برای ارتکاب جنایاتی چون ذبح، کشتار، ربودن و دیگر اقدامات جنایتکارانه وجود ندارد، بر لزوم واکنشی جدید به همه تهدیدهای تروریستی تأکید کرد و گفت عملیات نظامی ضروری است اما تنها با سلاح نمی‌توان همه مشکلات را حل و فصل کرد. وی عنوان داشت، استراتژی سازمان ملل مبنی بر موافقت تمامی کشورها برای اتخاذ تصمیمات یکپارچه است.

دبیرکل سازمان ملل افزود: بی‌توجهی به حقوق بشر در کنار ظلم و فساد موجب ظهور افکار افراط‌گرایانه شده است.

در همین حال لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه تصریح کرد: بشریت با تهدیدات تروریستی بی‌سابقه‌ای روبه رو است و باید یک استراتژی برای رویارویی با آن بکار گرفته شود. فرانسه تلاش می‌کند تا قانونی را برای نظارت بر تماس‌ها وضع و شرکت‌های ویژه‌ای را مکلف به نظارت بر اینترنت کند تا هر آنچه را که امنیت ملی فرانسه و جهان را تهدید می‌کند پیگیری کند.

همچنین ناصر جوده وزیر خارجه اردن در جریان نشست مبارزه با تروریسم و افراط گرایی در واشنگتن تصریح کرد: جهان به مفهوم دیگر در جنگ «جهانی سوم» به سر می‌برد. تروریست‌های مسلح هیچ حد و مرزی برای اقدامات وحشیگرانه خود قائل نیستند.

وی اظهار داشت، نظارت بر اینترنت به منظور جلوگیری از ارائه خدمات به تروریست‌ها از طریق خرید و فروش و جذب نیروهای تروریستی و دیگر عملیات مشکوک و همچنین اعمال محدودیت بر رفت و آمد در مرزها امری لازم و ضروری است.

# بحران اروپا و نزدیکی آلمان و فرانسه



انگلا مرکل صدر اعظم آلمان روز جمعه عازم فرانسه شده است. او و فرانسوا اولاند رییس جمهور فرانسه به تفاهم جدیدی باهم رسیده‌اند. دلیل آن قبل از همه سیاست جهانی است.

همه چیز در جهت یک آغاز نو به نظر می‌رسد. صدراعظم آلمان و رییس دولت فرانسه، مجموع وزنه سیاسی شان را در پله ترازو انداخته‌اند تا در اوکراین صلح بیاورند. این مطلب هنگامی رونما شد که هر دوی شان در ۱۱ فروردی به طور غیرمترقب نخست با پترو پوروشنکو رییس جمهور اوکراین و پس از آن با ولادیمیر پوتین رییس دولت روسیه مذاکره کردند. طبعاً چشم انداز موفقیت این میانجیگری شان برای صلح، از آغاز اندک بود و بدبینی بسیاری ناظران نیز در عین زمان آن را تایید می‌کرد. اما آنچه بیشتر این اقدام فرانسه و آلمان را مرغوب گردانیده است، تأثیری است که از قبول یک مسئولیت اجتناب ناپذیر از احتمال خطر و اما همچنان نزدیکی دوباره بین برلین و پاریس پس از مناقشات زیاد ناشی می‌شود.

به گزارش دویچه وله، همچنان با هم ایستادن بعد از حملات تروریستی بر جریده طنزی فرانسوی شارلی ابدو در ماه جنوری نیز علامت باهمی بود. همواره چنین نبوده است. تا همین اندکی پیش ملاقات بین مرکل و اولاند چیزی کمتر از ابراز مصلحت ملی بود. مواضع مختلف در قسمت سیاست اقتصادی و بودجه پیوسته مایه مناقشه می‌شد. آلمان سرمعلم پنداشته می‌شد و فرانسوی‌ها شاگرد کمرو در آوردن تغییرات.

**حذف نقش‌های قدیمی**  
آیا چنین منازعه بزرگی ضرورت بود تا باز هر دو کشور وارد کار مشترک شوند؟ برای خانم کلیر دیمیمی از انجمن آلمانی برای سیاست خارجی پاسخ به این سوال مثبت است. او می‌گوید: «با این بحران‌ها روابط آلمان و فرانسه زیر رهبری مرکل و اولاند به کیفیت جدیدی نایل شد. البته هم در سطح کاری و هم در سطح روابط انسانی؛ در منازعه اوکراین و همچنان حملات تروریستی در پاریس که مسئله امنیت، صلح و ارزش‌هایی مطرح‌اند که ما را متحد می‌گرداند».

مرکل از مدت‌ها پیش به اینسو به حیث یک مذاکره کننده اصلی در بحران اوکراین فعالیت می‌کرد. اینکه او اولاند را بعداً در چنین نقش برآزنده‌ای سهیم ساخت، از نظر فرانک باسنر رییس بنیاد آلمان و فرانسه در لودویگسبورگ، یک مانور ماهرانه بود. هر دوی شان خواستند نشان بدهند که «ما تکراری نمی‌کنیم، مسئله منافع آلمان نه، بلکه منافع اروپا مطرح است.» از نظر باسنر اگر مرکل بدون اولاند در این نقش باقی می‌ماند، شاید چنین به نظر می‌رسید

که «گویا آلمان سیاست اروپا را کاملاً زیر سلطه اش دارد و این هرگز خوب نیست.» کلیردیمیمی به این نظر است که دیپلوماسی مشترک تنها مربوط به مسأله اوکراین نیست. دو وزیر خارجه، یعنی لاورن فابیوس و فرانک والتر شتاینمایر پس از آن تنها در کیف نه، بلکه همچنان در جاهای دیگر به طور مثال در شمال آفریقا رفتند. «به این ترتیب آن‌ها می‌خواهند نشان بدهند که توزیع قدیمی نقش‌ها، یعنی این که آلمان مسئول شرق و فرانسه مسئول جنوب باشد، دیگر اعتبار ندارد.»

**یونان توانست نفاق بار آورد**  
اما چنین اقداماتی نمی‌تواند در مورد تفاوت‌ها در سیاست اقتصادی به ظهور رسد. حکومت فرانسه از مدت‌ها پیش جانبدار برنامه رشد دولتی است و علیه آنچه سیاست تحمیل شده از جانب آلمان و سیاست اروپایی یک جانبه برای صرفه جویی خوانده می‌شود، مبارزه می‌کند. فرانسه برای پیشبرد اصلاحات در کشورش خود با مشکلات سیاسی بزرگی مواجه است. از نظر دیمیمی قسماً این امر از آنجا ناشی می‌شود که «نظام سیاسی فرانسه با انقطاب همراه است و این امر پیوسته منجر به تقابل راست و چپ می‌گردد. بنابراین بسیاری محافظه کاران برنامه‌های حکومت سوسیالیست را رد می‌کنند، ولو اینکه این اصلاحات را خود (حکومت فرانسه) تقاضا کرده باشد».

اختلاف نظر در قسمت سیاست اقتصادی، مالی و بودجه بی «باقی می‌ماند، زیرا هر دو کشور در این مسائل منافع مختلف و دیدگاه‌های خودشان را به عنوان راه حل دارند.» البته دیمیمی معتقد است که «نزدیکی هر دو جانب در هفته‌های گذشته می‌تواند به آمادگی‌های بیشتر جهت مصالحه

بیانجامد.» باسنر چنین علایم را قبلاً در قسمت برخورد در برابر یونان می‌بیند: «حکومت جدید یونان تلاش کرد تا چوبی را در لای چرخه سیاست مشترک اسعاری اروپایی قرار دهد، اما موفق نگردد. این نشان می‌دهد که حکومت فرانسه می‌داند که سمت و سو در کل غلط نیست».

**تقویت سیاست میانه روانه**  
یک چیز دیگر نیز در فرانسه تغییر کرده است. یعنی پس از حملات افراطیون در پاریس نه تنها فرانسویان از نگاه سیاسی و اجتماعی با هم نزدیک شدند، بلکه همچنان حیثیت و وجهت رییس جمهور در بین عامه مردم کم تا آن وقت از ده‌ها سال به ایستو یکی از نامجبوب ترین رییسان دولت شمرده می‌شد، با ظهور خاص و در عین زمان قاطعانه اش، ناگهان افزایش یافت. فرانک باسنر از بنیاد آلمان و فرانسه معتقد است که خط میانه سیاسی دست کم به طور موقت در فرانسه تقویت شده و دست راستی‌های افراطی منسوب به جبهه ملی تضعیف گردیده‌اند.

اما در این مورد نمی‌توان چیزی گفت که آیا این وضعیت بر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷ نیز تأثیر خواهد گذاشت. خانم کلیر دیمیمی نیز به عین نظر است. او می‌گوید: «این حملات تروریستی در درازمدت بر فرهنگ سیاسی فرانسه تأثیر می‌گذارد، اما رفتار سیاسی را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد.» انگلا مرکل صدراعظم آلمان فدرال با دیدار از پاریس به یک کشور از لحاظ سیاسی دچار تفرقه و از لحاظ اقتصادی نامطمئن سفر می‌کند. با اینکه دست کم جو مناسبات بین دو کشور و بین مرکل و اولاند به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

اما چنین اقداماتی نمی‌تواند در مورد تفاوت‌ها در سیاست اقتصادی به ظهور رسد. حکومت فرانسه از مدت‌ها پیش جانبدار برنامه رشد دولتی است و علیه آنچه سیاست تحمیل شده از جانب آلمان و سیاست اروپایی یک جانبه برای صرفه جویی خوانده می‌شود، مبارزه می‌کند. فرانسه برای پیشبرد اصلاحات در کشورش خود با مشکلات سیاسی بزرگی مواجه است. از نظر دیمیمی قسماً این امر از آنجا ناشی می‌شود که «نظام سیاسی فرانسه با انقطاب همراه است و این امر پیوسته منجر به تقابل راست و چپ می‌گردد. بنابراین بسیاری محافظه کاران برنامه‌های حکومت سوسیالیست را رد می‌کنند، ولو اینکه این اصلاحات را خود (حکومت فرانسه) تقاضا کرده باشد».

اختلاف نظر در قسمت سیاست اقتصادی، مالی و بودجه بی «باقی می‌ماند، زیرا هر دو کشور در این مسائل منافع مختلف و دیدگاه‌های خودشان را به عنوان راه حل دارند.» البته دیمیمی معتقد است که «نزدیکی هر دو جانب در هفته‌های گذشته می‌تواند به آمادگی‌های بیشتر جهت مصالحه

بیانجامد.» باسنر چنین علایم را قبلاً در قسمت برخورد در برابر یونان می‌بیند: «حکومت جدید یونان تلاش کرد تا چوبی را در لای چرخه سیاست مشترک اسعاری اروپایی قرار دهد، اما موفق نگردد. این نشان می‌دهد که حکومت فرانسه می‌داند که سمت و سو در کل غلط نیست».

**تقویت سیاست میانه روانه**  
یک چیز دیگر نیز در فرانسه تغییر کرده است. یعنی پس از حملات افراطیون در پاریس نه تنها فرانسویان از نگاه سیاسی و اجتماعی با هم نزدیک شدند، بلکه همچنان حیثیت و وجهت رییس جمهور در بین عامه مردم کم تا آن وقت از ده‌ها سال به ایستو یکی از نامجبوب ترین رییسان دولت شمرده می‌شد، با ظهور خاص و در عین زمان قاطعانه اش، ناگهان افزایش یافت. فرانک باسنر از بنیاد آلمان و فرانسه معتقد است که خط میانه سیاسی دست کم به طور موقت در فرانسه تقویت شده و دست راستی‌های افراطی منسوب به جبهه ملی تضعیف گردیده‌اند.

اما در این مورد نمی‌توان چیزی گفت که آیا این وضعیت بر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷ نیز تأثیر خواهد گذاشت. خانم کلیر دیمیمی نیز به عین نظر است. او می‌گوید: «این حملات تروریستی در درازمدت بر فرهنگ سیاسی فرانسه تأثیر می‌گذارد، اما رفتار سیاسی را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد.» انگلا مرکل صدراعظم آلمان فدرال با دیدار از پاریس به یک کشور از لحاظ سیاسی دچار تفرقه و از لحاظ اقتصادی نامطمئن سفر می‌کند. با اینکه دست کم جو مناسبات بین دو کشور و بین مرکل و اولاند به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

اما در این مورد نمی‌توان چیزی گفت که آیا این وضعیت بر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷ نیز تأثیر خواهد گذاشت. خانم کلیر دیمیمی نیز به عین نظر است. او می‌گوید: «این حملات تروریستی در درازمدت بر فرهنگ سیاسی فرانسه تأثیر می‌گذارد، اما رفتار سیاسی را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد.» انگلا مرکل صدراعظم آلمان فدرال با دیدار از پاریس به یک کشور از لحاظ سیاسی دچار تفرقه و از لحاظ اقتصادی نامطمئن سفر می‌کند. با اینکه دست کم جو مناسبات بین دو کشور و بین مرکل و اولاند به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

اما در این مورد نمی‌توان چیزی گفت که آیا این وضعیت بر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷ نیز تأثیر خواهد گذاشت. خانم کلیر دیمیمی نیز به عین نظر است. او می‌گوید: «این حملات تروریستی در درازمدت بر فرهنگ سیاسی فرانسه تأثیر می‌گذارد، اما رفتار سیاسی را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد.» انگلا مرکل صدراعظم آلمان فدرال با دیدار از پاریس به یک کشور از لحاظ سیاسی دچار تفرقه و از لحاظ اقتصادی نامطمئن سفر می‌کند. با اینکه دست کم جو مناسبات بین دو کشور و بین مرکل و اولاند به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

اما در این مورد نمی‌توان چیزی گفت که آیا این وضعیت بر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷ نیز تأثیر خواهد گذاشت. خانم کلیر دیمیمی نیز به عین نظر است. او می‌گوید: «این حملات تروریستی در درازمدت بر فرهنگ سیاسی فرانسه تأثیر می‌گذارد، اما رفتار سیاسی را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد.» انگلا مرکل صدراعظم آلمان فدرال با دیدار از پاریس به یک کشور از لحاظ سیاسی دچار تفرقه و از لحاظ اقتصادی نامطمئن سفر می‌کند. با اینکه دست کم جو مناسبات بین دو کشور و بین مرکل و اولاند به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

## امضای توافقنامه ۲۱ میلیارد دلاری گاز «ال.ان.جی»

### بین پاکستان و قطر



دولت پاکستان توافقنامه ۲۱ میلیارد دلاری را برای خرید گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی) با «دوحه» به امضا رسانده که بر اساس آن پاکستان روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز وارد این کشور خواهد شد.

پاکستان و قطر توافقنامه ۲۱ میلیارد دلاری را بمدت ۱۵ سال به امضا رساندند که براساس آن، قطر روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی) به پاکستان صادر خواهد کرد.

بر اساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، قیمت گاز قطر هفت دالر برای هر میلیون واحد حرارتی انگلیس است در حالی که وارد کنندگان هندی ۹ تا ۱۰ دالر برای هر میلیون واحد حرارتی انگلیس خریداری می‌کنند اما دولت پاکستان تاکنون مشخص نکرده که براساس چه فرمولی قیمت گاز ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر تعیین شده است.

گفته می‌شود که پایانه گاز ال.ان.جی در بندر «محمد بن قاسم» در شهر «کراچی» پاکستان در حال ساخت است و به احتمال زیاد تا ۱۰ مارس سالجاری تکمیل خواهد شد که پس از آن، دو کشتی ۵۰ هزار تنی از گاز ال.ان.جی وارد پاکستان خواهند شد.

منابع وابسته به صنعت گاز در دوحه روزهای گذشته اعلام کردند که شرکت دولتی گاز قطر در آخرین مراحل مذاکرات با پاکستان صدور گاز بمدت ۱۵ سال به توافق رسیده‌اند.

این در حالی است که «شاهد خاقان عباسی» وزیر نفت پاکستان اجرایی شدن خط لوله گاز صلح برای ورود گاز ایران به این کشور را منوط به رفع تحریم‌های کشورمان کرده است.

بخش نخست



آثار طلاق بر مردان بیش از زنان است. آسیب‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی معتقدند احساساتی نظیر ناامیدی، یأس، افسرده‌گی، کاهش اعتماد به نفس، کاهش پذیرش شخصیت فردی، زیر سوال بردن زیبایی‌ها و توانایی‌های شخصی و فردی بعد از متارکه به شکل گسترده و پنهان در مردان شکل می‌گیرد.

طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی بر بنیان خانواده اثرگذار است. در این میان بعضی اشخاص تصور می‌کنند زنان بیش از مردان آسیب می‌بینند. ممکن است زنان از نگاه فرهنگی و یا موضوع امرار معاش یا مسایل عاطفی آسیب ببینند، اما تخلیه خود از نظر روانی را با گریه و یا درد دل انجام می‌دهند؛ ولی مردان بعد از طلاق نه تنها دچار آسیب‌های روانی بیشتر می‌شوند، بلکه به خاطر ساختار اجتماعی با درون‌ریزی ناراحتی‌ها در معرض سکنه و مرگ زودرس قرار می‌گیرند.

#### مردان طلاق تمایلی به ازدواج مجدد ندارند

مردان بعد از کودکان بیشترین آسیب را از طلاق می‌بینند. نگرانی در مورد سرنوشت فرزند و آینده او، گسست عاطفی با همسر، نگاه جامعه به یک مرد جدا شده و اشاره به ضعف وی به خاطر عدم توانایی در مدیریت زنده‌گی، عواملی هستند که مرد را مورد هجوم قرار می‌دهند.

شاید از نظر ازدواج مجدد، مردان شرایط بهتری از زنان داشته باشند، اما اکثریت مردان اعتنای چندانی به ازدواج مجدد ندارند، چرا که وحشت از تکرار شکست اولیه باعث نوعی تجرد طولانی و حتا تا پایان عمر در مردان می‌شود.

از نگاه مادی ممکن است مردان شرایط بهتری از زنان مطلقه داشته باشند، اما بسیاری از آن‌ها نیز گرفتار زندان برای پرداخت حق مهر، از دست دادن شغل و پایگاه اجتماعی به خاطر زندان و زخم‌های عمیق روحی و عاطفی می‌شوند. در مجموع، تمام اعضای خانواده به خاطر طلاق آسیب‌های غیر قابل جبران را تحمل می‌کنند؛ اما بعد از فرزندان، مردان بیشتر از زنان دچار بحران‌های فکری، اجتماعی و مادی می‌شوند.

#### بخت کم مردان در ازدواج دوم

آسیب‌ها پس از طلاق در چند محور قابل بررسی است. بر اساس پژوهش‌هایی که در خصوص تأثیرات طلاق بر خانواده انجام شده است، پیامدهای فردی بی که طلاق بر تک‌تک افراد وارد می‌کند، بسیار وسیع است. سرخورده‌گی منفی، حس بدبینی و تردید و مشکلات مالی، اولین اثرات طلاق بر زنده‌گی فردی است که زنده‌گی مشترک خود را از دست داده است. حس بدبینی و تردید از ازدواج، یکی از مشکلات فراگیر در مردان طلاق است. آن‌ها به این فکر می‌کنند اصلاً لازم است دوباره ازدواج کنند یا خیر، یا اصلاً چه ضرورتی دارد دوباره ازدواج کنند.

منبع: سایت آفتاب

بخش سی و دوم

# اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



عبدالحفیظ منصور

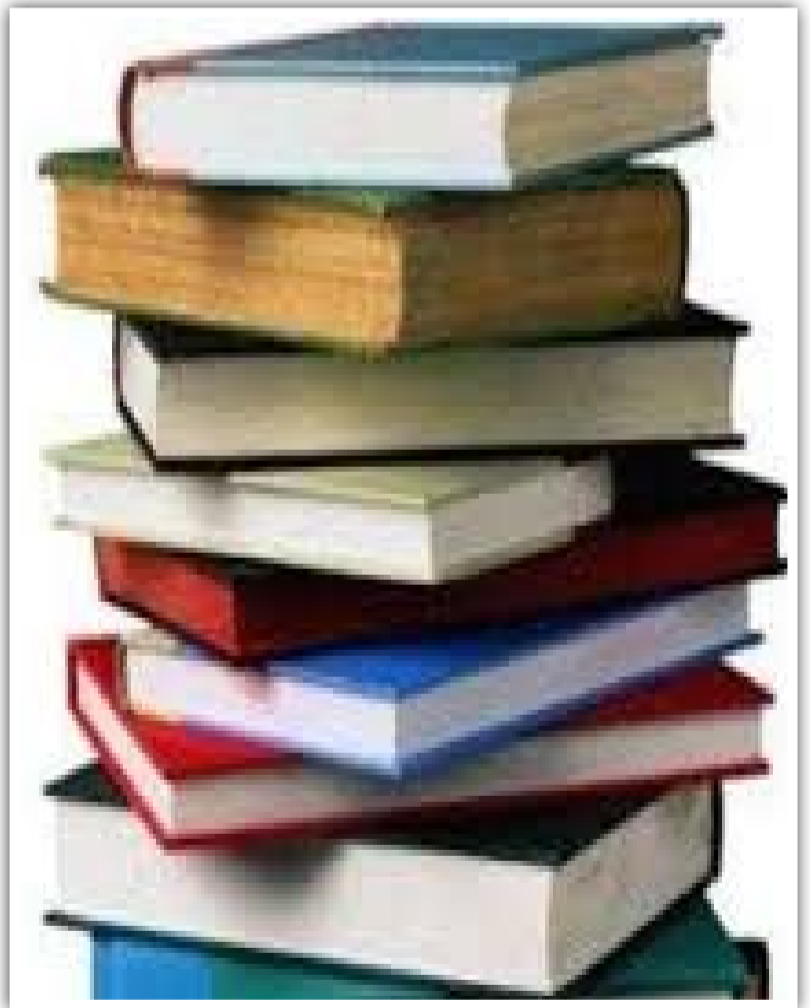
پژوهش‌گران، پیوند دین و سیاست را به شش نوع تقسیم کرده‌اند:

۱. یکی شمردن امور دینی و امور سیاسی، و به زبان دیگر، مزج دین و سیاست و عدم تفکیک آن‌ها
۲. اعتقاد به تفکیک دین و سیاست به سود برتری دین در تصمیم‌گیری‌ها
۳. باور به تفکیک دین و سیاست به نفع برتری سیاست در اخذ تصمیم
۴. جداسازی حوزه دین از سیاست و عدم مداخله آن‌ها در امور یکدیگر
۵. انکار دین نسبت به سیاست و غیرضروری شمردن آن
۶. زیان‌مند پنداشتن دین به وسیله سیاست و مبارزه علیه آن.

این دسته‌بندی کلی نشان می‌دهد که پیوند دین و سیاست صفر یا صد نیست، بل میان این دو درجات و مراتبی وجود دارد که کار تعیین درجه معینی از این پیوند را برای یک دستگاه دل‌خواه و مطلوب برای

سکولاریسم از علمای دینی می‌خواهد که در حوزه معینی به صدور فتوا بپردازند و کارهایی از قبیل برنامه‌ریزی، معارف، شهرسازی، چه‌گونه‌گی رشد و توسعه امور بهداشتی و تأمین مناسبات سیاسی با کشورهای جهان را بگذارند که متخصصین عرصه‌های خودشان انجام بدهند.

در حوزه نظری، جدال داغی روی این مسأله وجود دارد. طرف‌داران و مخالفان سکولاریسم می‌گویند و می‌نویسند و دیدگاه‌های جانب مقابل را به نقد می‌گیرند؛ ولی از رهگذر عملی، صدها میلیون مسلمان در جنوب شرق آسیا و ترکیه سکولاریسم را پذیرفته و نظام زنده‌گانی خویش را بدان آراسته‌اند. افزون بر آن، میلیون‌ها مسلمان در حال حاضر در کشورهای زنده‌گی می‌کنند که اکثریت باشندگان آن‌جا نامسلمان‌اند. با آن‌ها داد و ستد دارند، در یک‌جا کار می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند. مسأله دیگری



۱. علما و سیاست‌مداران دشوار کرده است، و زمانی این دشواری افزایش می‌یابد که سکولاریسم نیز دارای تعریف مشخصی نمی‌باشد؛ کسانی آن را با "تقدس‌زدایی" یک‌سان می‌دانند و عده‌ی دیگر، سکولاریسم را در حد یک روش تنزیل می‌بخشند. ملکلم همیلتون به نقل از ماینر، شش معنای متفاوت را برای سکولاریسم به گونه زیر بیان می‌دارد:

۱. سکولاریسم را در میان مسلمانان به‌ویژه روشنفکران و طبقه تحصیل‌کرده آن از اعتبار بیشتری برخوردار کرده، آن است که نظام‌های سکولار بهتر از نظام‌های غیرسکولار به قانون‌مداری، احترام به حقوق بشر و تأمین عدالت پابندی نشان می‌دهند. بنابراین، سکولاریسم پشتوانه‌هایی در میان مسلمانان به خود حاصل کرده، که می‌سزد به آن با نگاهی جدید نگرست و کارآمدی و ناکارآمدی آن را به بررسی گرفت.

عباس مؤذن

ای دون ژوان پیر، اکنون به من بگو که عشق در جوانی، چه گونه بود؟  
«دون ژوان»، در قرن شانزدهم میلادی، در اسپانیا می‌زیست. او برای زنان شخصیتی جذاب و دل‌زبا داشت. شخصیتی که گاه شاهزاده‌گان زیباروی هم برای دیدن و مصاحبت با وی ساعت‌ها زیر باران و در مقابل خانه‌اش انتظار می‌کشیدند. دون ژوان یک افسون‌گر، و جادوی او در اغوا و به دام انداختن زنان بود. به همین دلیل گرچه محبوب زنان بود، اما از سوی مردان همیشه مورد نفرت قرار می‌گرفت. مردان در تعجب بودند که چه گونه دون ژوان می‌تواند این چنین تأثیری بر روی زنان بگذارد؟! او حتی یک مرد زیبا نبود و رمز اغواگری‌اش در ظاهر او نهفته نبود، شاید همین موضوع، مردان دیگر را بیشتر عصبانی می‌کرد؛ چون هرگز نمی‌توانستند به راز جادویی او پی ببرند. و همین راز برای مدت بیش از چهار قرن در گنجینه‌یی از اسرار، پنهان بود تا این‌که بالاخره توسط خود او برملا گردید.

دون ژوان، پیش از هر چیز، طعمه مناسب خود را انتخاب می‌کرد؛ زیرا به‌خوبی می‌دانست که نمی‌تواند همه زنان را در همه وقت اغوا کند. او طعمه‌هایش را در زمان، و مکان‌های مناسب به دام می‌انداخت. او مردی حساس و تیزبین بود که به راحتی می‌توانست نادیدنی‌ها را دیده و ناشنیدنی‌ها را بشنود. وی به «زبان بدن» زنان آگاهی داشت و می‌توانست به آن‌سوی نقابی که معمولاً زنان بر روی چهره دارند، نفوذ کرده و ضعف‌ها، ترس‌ها، امید و آرزوهای آنان را کشف کند. دون ژوان از میان روزنه‌های باریکی که در ذهن و روح آشفته زنان پیدا می‌کرد، راهی به درون‌شان می‌یافت و از همان جا به آرامی شروع به تسخیر روح آنان می‌کرد. دون ژوان «ارزش زمان» را خوب می‌شناخت، به همین خاطر انرژی و توان خود را بیهوده به هدر نمی‌داد. او بیشتر طعمه‌های خود را از میان زنان آزرده‌خاطر و پریشان‌انتخاب می‌کرد. زنانی که به آن‌ها خیانت شده بود و یا این‌که مورد توجه اطرافیان خود قرار نگرفته و با رؤیاهای خود رها شده بودند. دون ژوان از این حقیقت به‌خوبی آگاهی داشت که وقتی یک زن، در سلامت کامل روحی به‌سر برده باشد و در میان خانواده و دوستانش مورد محبت، توجه و احترام قرار گرفته باشد، تقریباً محال است کسی بتواند او را اغوا کرده و از راه به‌در کند. از طرف دیگر، دون ژوان می‌دانست، تنها کسی گول می‌خورد که بتواند نسبت به او و حضورش، واکنش نشان دهد. البته او به واکنش‌های منطقی و عقلانی بی‌اعتنا بود، زیرا به تجربه برایش ثابت شده بود که وقتی کسی با حساس‌گری و لبخندهای تشریفاتی و مصنوعی به شما نگاه می‌کند، معمولاً در جست‌وجوی آن است که چیزی از شما به دست آورده و شما را برای رسیدن به هدفی خاص، وسیله قرار داده و قربانی کند. این درحالی است که واکنش‌های ناخودآگاه از طرف زنان، نمی‌توانند به راحتی مدیریت شوند. واکنش‌هایی از قبیل، دست‌پاچه شدن، خجالتی بودن، تکرار کردن حرکات «زبان بدن» به گونه‌یی که انگار در مقابل آینه‌یی نشسته‌اید و تصویر خود را می‌بینید. گاه حتی بارقه‌یی از خشم و عصبانیت، نشانه‌های خوبی هستند از این‌که، اکنون طعمه مناسبی بر سر راه شما قرار گرفته است. به قول ضرب‌المثلی از سرخ‌پوستان امریکا، وقتی شما به دنبال دو خرگوش می‌دوید، در پایان موفق به دام انداختن هیچ یک از آن‌ها نمی‌شوید. پس باید مانند حمله شیر به گروه آهوان، طعمه خودتان را با آگاهی انتخاب کرده و بدان بورش برید. چرا که شما هرگز نمی‌توانید برای همه کس، همه چیز باشید. پاتریس بولون، در کتاب «رنج عشق و دون ژوان»، او را بزرگ‌ترین عیاش جهان و خواستگار نوع بشر می‌داند که عشق را تنها در تنوع‌طلبی می‌خواهد. او یک فاتح بی‌احساس، آمیزه‌یی از پلیدی و شرارت است؛ یعنی نقطه مقابل ساده‌گی و نزاکت که دو فضیلت عشق جوان‌مردانه هستند. در واقع او نه تنها هیچ اعتقادی به عشق ندارد، بلکه بی‌وقفه به آن بی‌حرمی هم می‌کند. کیرکگارد، در تفسیری که بر اپرای «دون ژوان» موتسارت می‌نویسد، معتقد است که دون ژوان، تنها یک شخصیت و یک فرد نیست، بلکه یک «توانایی» است. او میل وحشی شهوت و نمود یک میل اهریمنی زنده‌گی است. از نظر کیرکگارد، در کار دون ژوان هیچ‌گونه حساب‌گری وجود ندارد، انحطاط و تفکری هم در کار نیست. این تنها نیروی ناب، عریان و خود انگیخته‌یی است از طبیعت، که ورای خیر و شر عمل می‌کند، نیرویی که تنها می‌تواند توسط خودانگیخته‌ترین و انتزاعی‌ترین «هنرها» به نمایش گذاشته شود؛ و این هنر چیزی نیست مگر موسیقی، که

# دون ژوان؛

## اسطوره یا قربان



وایان» در رساله خود درباره «لاکلوس» می‌گوید، دون ژوان بی‌هیچ تردیدی یک آنتی‌پاسکال و پیشگام در تمام مبارزات اجتماعی آینده خواهد بود: اغواگر و عیاشی که زنده‌گی ابدی خود را درست با همان عنوانی به خطر می‌اندازد که یک ماتریالیست مانند او قیام می‌کند، دیگران را به مبارزه می‌طلبد، سلطه را انکار می‌کند، سپس سوگند می‌خورد که در کار خود هرگز عفو و بخششی نکند.

دون ژوان مولیر، مثل دون ژوان موتسارت نیست. در نمایش‌نامه‌های دون ژوان اسپانیایی، هیچ‌گونه درام روان‌شناختی وجود ندارد، بلکه بر آن‌ها متافیزیک سایه افکنده است. در این نمایش‌نامه‌ها، زاری و اندوه زیبارویان رها شده چیزی فرعی و مخصوص به هیجان آوردن قلب‌های با احساس است: «تراژدی مردی است که با شرط بستن بر روی این موضوع که، خداوندی وجود ندارد، تمام سعادت ابدی خود را به خطر می‌اندازد.» خلاصه این‌که دون ژوان، یکی از همین روح‌های قدرت‌مندی است که در تمام حوزه‌های استبدادی، به ویژه در حوزه عشق، به مبارزه برخاسته است. او یک انسان طاغی و یاغی است. آلبرکامو، همین ایده را در «افسانه سیزیف»، با یکی از نمونه‌های «انسان افسورد» از دون ژوان ساخت. کامو سوال می‌کند: این مأمور سنگ و این مجسمه سردی که برای تنبیه خود به لرزه می‌افتد، چه معنایی دارد؟ تمام قدرت‌های عقل ابدی، نظم، اخلاق جهانی و تمام عظمت عجیب خداوندی تحت تأثیر خشم، در آن خلاصه شده‌اند. این سنگ سترگ و بی‌روح فقط مظهر قدرت‌هایی است که دون ژوان درون خود برای همیشه انکارشان کرده است.

از نظر کامو، چون دون ژوان همه زنان را به یک اندازه و با تمام وجود دوست می‌دارد، پس بنا بر این ناگزیر به «تکرار» است. از همین رو هر یک از زنان، امیدوار است چیزی به او هدیه دهد که هرگز هیچ زنی نثارش نکرده است. اما در واقع همه آن‌ها فقط خودشان را فریب می‌دهند چون تنها موفق می‌شوند احساس نیاز به تکرار را در او به وجود بیاورند. تا بالاخره یکی از میان آن‌ها خطاب به دون ژوان فریاد می‌زند:

«سرانجام، من عشق را به تو هدیه دادم.»  
و شگفت‌انگیز نیست که دون ژوان به گفته او فقط می‌خندد و می‌گوید:  
«سرانجام؟!... نه، باید بگویی: یک بار دیگر!»

دون ژوان، وجود داشته و خواهد داشت، چرا که او نیز مانند ابلوموف، منتقدان و حتا مدافعانی برای خود دارد. از نظر بسیاری از منتقدین، دون ژوان در واقع نمود یک انقلاب است و همین موضوع موجب شد تا اجرای نمایش‌نامه مولیر، برای تماشاچیان خود سوال‌هایی طرح کند.

دون ژوان، از آن دسته شهوترانهایی است که به قول «شارل بودلر»، انقلاب را به جلو انداخته ه همان‌گونه که «روژه

باعث می‌شود تمام چیزها را در حالت خام، ضروری و کلی‌شان حس کنیم- بی‌آن‌که بتوانیم تحلیل‌شان کنیم و یا مورد قضاوت‌شان قرار دهیم. به عبارت دیگر، دون ژوان روی دیگر سکه‌یی به نام «ابلوموف» اثر گنچاروف است. ابلوموف نیز همه چیز، حتا عشق را در تنبلی می‌یافت و با این کار خود «یک نظام و یک دوره از تاریخ دوسه» را به ریشخند گرفت.

- منابع:
- مقالات شارل بودلر. مترجم: روبرت صافاریان
  - افلاطون، اقطاع اولیه. اثر: لوک بریسون
  - مجله تخصصی سمرقند. شماره پانزدهم
  - دون ژوان، رنج عشق. اثر: پاتریس بولون
  - مرگ دون ژوان. اثر: والرئ کوبین

**پیری از سیمین پوربختیار**

آیا نمی‌نگرند به شتر که چه گونه آفریده شد؟

و به اشک بین که تهی کردت  
زهر آن چه مایه آگاهی  
و تو این تهی شده را باید  
ز کدام هیچ بیناری

و در این تهی شده می‌بینی  
همان اشتر عطشان را  
که جنون برآمده با صبرش  
زرد سبک به گرانباری

و جنون دو نیشه رخشان شد  
به صف خشونت دندان‌ها  
که ز صبر کینه به بار آمد  
که ز کینه زخم شود کاری

و نگاه کن که به کین توی  
رگ ساربان زده با دندان  
ز سراب حوصله تنگ آمد  
و نگاه کن به شتر، آری.

و نگاه کن به شتر، آری  
که چه گونه ساخته شد، باری  
نه زاب و گل که سرشتش  
ز سراب و حوصله پنداری  
و سراب را همه می‌دانی  
که چه گونه دیده فریب آمد  
و سراب هیچ نمی‌داند  
که چه گونه حوصله می‌اری

و چه گونه حوصله می‌آری  
به عطش، به شن، به نمک‌زاران

و حضور گستره را دیدن  
به نگاهی از سر پیزاری

و نگاه کن که نگاه این جا  
ز شیار شوره نشان دارد

چو خطوط خشک پس از اشکی  
که به گونه‌هاش شود جاری

احمد عمران

رهبران دولت وحدت ملی در هفته گذشته روزهای خوبی نداشتند، یا حداقل چنین به نظر رسید که روزهای خوبی را پشت سر نمی‌گذارند. موجی از انتقادات به نشانی رهبران دولت ملی بلند شد که به‌نحوی آن‌ها را مجبور کرد در مواضع واکنشی قرار گیرند. سخنان رهبران مجاهدین در مراسم بزرگداشت از ۲۶ دلو، سالروز خروج نیروهای اشغال‌گر شوروی پیشین از افغانستان، پیش از آن‌که در محور تجلیل از این روز باشد، در انتقاد از عمل‌کرد رهبران دولت جدید ابراز شد؛ سخنانی تند و آتشین که ضمن این‌که بار سنگینی از درد را حمل می‌کرد، حاوی انتقادهای سختی نیز از رهبران دولت وحدت ملی بود. نخست به این سخنان تند، دکتر عبدالله ربیس اجراییهٔ دولت وحدت ملی پاسخ گفت. او از کارنامهٔ مجاهدین در کشور حمایت کرد و گفت که در هیچ تعامل سیاسی بی‌نمی‌توان حضور مجاهدین را نادیده گرفت. او گفت نبود افرادی در ساختار قدرت، به معنای حذف مجاهدین نباید تعبیر شود. آقای عبدالله یک روز پس از ابراز این سخنان که بدون شک گوشهٔ چشمی مستقیم به انتقادهای استاد سیاف داشت که در خیمهٔ لویه جرگه از عدم حضور رهبران مجاهدین در ساختار قدرت انتقاد کرد، سخنانش را پس گرفت و تأکید کرد که سخنان او در واکنش به اظهارات استاد سیاف نبوده است. حالا چه این سخنان در واکنش به اظهارات استاد سیاف بوده باشد و چه نبوده باشد، اما تعبیری که از آن‌ها می‌توان ارایه کرد، خواهی‌نخواهی چنین برداشتی را به ذهن متبادر می‌کند.

رویکرد بینامتنی به متن حکم می‌کند که چنین برداشتی صورت گیرد. گاهی سیاست‌مداران ما دچار اشتباه معرفتی در حوزهٔ سیاست می‌شوند. آنان فکر می‌کنند که سخنان‌شان قابلِ تعبیر و تفسیر نیست و آنچه که می‌گویند، هیچ رابطهٔ منتهی با دیگر سخنان ندارد. چنین تعبیری در حوزهٔ معرفتی، تعبیری نادرست و مخاطره‌آمیز است. سخنان با یکدیگر در داد و ستد معرفتی قرار دارند و یکدیگر را نقد و اصلاح می‌کنند. حتا اگر آقای عبدالله انتقادهای تند استاد سیاف را نشنیده باشد، باز آنچه که یک روز پس از این سخنان بر زبان آورد، در فضای گفتمانی اظهارات استاد سیاف قرار می‌گیرد. این را به این دلیل گفتم که سیاست‌مداران ما متوجه باشند که نمی‌توان در فضای تهی به گفت‌وگو پرداخت. به همین دلیل من در یک نوشتهٔ دیگر از واکنش آقای عبدالله حمایت کردم و نوشتم که او شاید از نخستین رهبران دولتی افغانستان در سیزده سال پسین باشد که صادقانه می‌آید و از خود دفاع می‌کند. این رویکرد، رویکرد درستی به مسایل است و باعث ایجاد فضای اعتمادِ متقابل در میان اعضای جامعه می‌شود.

مخفی شدن در پس نقاب‌های گوناگون و اختیار کردنِ

# چرا رهبران دولت وحدت ملی

# سراسیمه هستند ؟

سکوت، راه به جایی نمی‌برد و بیشتر به خدشه‌دار شدن احساسات می‌انجامد. سخنان را باید شنید و به آن‌هایی که ارزش واکنش را دارند، باید واکنش نشان داد. این روال عادی و معمول سیاست در جهان معاصر است. هیچ رهبری در جهان معاصر خود را پنهان نمی‌کند–برخلاف رهبران گذشته که همواره چهرهٔ پنهان داشتند.

دومین واکنش اما چند روز پس از واقعهٔ خیمهٔ لویه‌جرگه در سخنان ربیس‌جمهوری تبارز پیدا کرد. محمد اشرف‌غنی در دیداری با حامد کرزی ربیس جمهوری پیشین، شماری از رهبران جهادی و سیاسی افغانستان گفت که در مذاکرات صلح هیچ پنهان‌کاری بی‌نخواهد کرد و همه چیز را به صورت شفاف در اختیار مردم قرار خواهد داد. این سخنان، دقیقاً در واکنش به سخنانِ استاد سیاف در خیمهٔ لویه جرگه بیان شدند، آن‌جا که استاد سیاف دولت را به پنهان‌کاری در استراتژی‌های منطقه‌یی‌اش متهم کرد.

استاد سیاف در همایش ۲۶ دلو تأکید کرده بود که تغییر در استراتژی‌های منطقه‌یی دولت به دور از چشم مردم، عملی دیکتاتورانه و نارواست. آگاهان سیاسی، این سخنان را انتقاد از سیاست‌های اشرف‌غنی ربیس‌جمهوری افغانستان

تعبیر کردند که به گفتهٔ آنان، پشت پردهٔ مناسبات تازه‌یی را با پاکستان آغاز کرده است. البته این انتقادات زیاد هم پُربیره نمی‌نماید. حداقل چند نشانه می‌توان در رفتار و عمل‌کرد ربیس‌جمهوری در ماه‌های اخیر پیدا کرد که دال بر چنین سیاستی می‌تواند باشد.

نخست، رفت‌وآمدهای غیرمعمول مقام‌های ارتش و استخبارات پاکستان به کابل است. گویا طرفِ چهار ماه اخیر، حداقل راحیل شریف ربیس ستاد ارتش پاکستان سه بار به کابل آمده است. در همین حال، دو بار ربیس استخبارات پاکستان به کابل سفر داشته و با رهبرانِ جدید دیدار کرده است.

دوم، تأخیر در قرارداد انتقال سلاح از هند به افغانستان است. گویا به‌تازگی ربیس‌جمهوری به ارتش افغانستان دستور داده که از انتقال و خرید اسلحه از هند خودداری ورزند.

قرارداد خرید اسلحه از هند در زمان ربیس جمهوری پیشین صورت گرفت و هند به بسیار مشکل حاضر شد بخشی از تجهیزات ارتش افغانستان را تهیه کند. هنوز اطلاع دقیقی از ارسال و نوعیتِ این سلاح‌ها در دست نیست، ولی گفته می‌شود که حامد کرزی در زمان زمام‌داری خود در اعتراض به متحدان غربی افغانستان، خرید اسلحه از هند را مطرح کرد. آقای کرزی همواره جامعهٔ جهانی را به عدم تجهیز درستِ نیروهای امنیتی افغانستان متهم می‌کرد.

سوم اما نوع نگاه و رابطهٔ آقای غنی در گفت‌وگوهای صلح به سمتِ پاکستان است که عمدتاً به نگاه خوش‌باورانه تعبیر می‌شود. آقای غنی تلاش‌هایی را آغاز کرده است که پاکستان را مجبور کند در تأمین صلح و امنیت افغانستان نقش عملی و متبازر داشته باشد. بسیاری از متقدان این سیاست آقای غنی – که شاید استاد سیاف و بخشی از مجاهدین نیز این‌گونه ببیندیشند – پاکستان را با توجه به عمل‌کرد گذشتهٔ آن کشور قابل اعتماد نمی‌دانند و می‌گویند هرگونه تعامل با این کشور سبب به درازا کشیده شدن جنگ در کشور می‌شود.

نگرانی عمدهٔ جامعه و از جمله آقای سیاف می‌تواند از این ناحیه باشد که به آن «تغییر سیاست منطقه‌یی» گفته‌اند. اما حالا آقای غنی می‌گوید که هیچ مسأله‌یی را در رابطه با گفت‌وگوهای صلح پوشیده نمی‌گذارد. اما پرسش این‌جاست که رهبران دولت وحدت ملی چرا نسبت به انتقادات سراسیمه به نظر می‌رسند و به این انتقادات با دست‌پاچه‌گی واکنش نشان می‌دهند؟

به چنین سوالی رهبران دولت وحدت ملی باید پاسخ بگویند. زیرا انتقاد همواره وجود دارد و اگر رهبران وحدت ملی خودشان مشکلی ندارند، نیاز نیست که نسبت به چند حرفِ دل‌سوزانه این‌همه دست‌پاچه شوند.

پولیس کابل می‌گوید که دو تن را در پیوند به این رویداد بازداشت کرده‌اند و بررسی‌هایشان برای روشن شدن این رویداد بگونه‌ی جدی ادامه دارد.

محمد فرید افضلی ربیس بررسی‌های جرم‌های جنایی پولیس کابل ادامه داد: «ما سند و مدارکی داریم، آنکه در رسانه‌ها پخش شده نادرست است؛ اما برای گسترش این پرونده و حفظ عزت خانواده ما نمی‌توانیم جزئیات بیشتری را به رسانه بگویم.»

حشمت رادفر، روزنامه نگار می‌گوید که فیروز، نماد عدالت‌ستیزی و انسانیت‌گریزی ساختارهای اجتماعی و تسخیر ساختارهای اداری، عدلی و قضایی و امنیتی کشور توسط نسلی از انسان‌های منفعت اندیش، واپس‌گرا و ارزش‌گریز است.

او گفته است: روان جمعی جامعه ما به حدی تخدیر و تحقیر شده که توان احساس دردهای واقعی خود را از دست داده است. جامعه‌یی بیمار که ضد ارزش‌های تصنعی و قلبی آن را از ارزش‌های اصیل انسانی بدورش ساخته و تا بدان حد بی‌عاطفه، بیرحم و انسانیت ستیز شده که در قساوت، واپسگرایی و ضدیت با هنرها و ارزش‌های انسانی، دست دشمنان طالبان، داعش، بوکوحرام، الشباب، القاعده و هرچه سامان و سازمان جهنمی و تندرو در دنیا است را از پشت بسته است.

او در صفحهٔ فیسبوکش نوشته است: «به جامعه‌یی که در آن پیشانی برهنه یک زن در جاده‌های کابل بیشتر از بدن‌های پاره پاره کودکان انتحاری و چشم‌های ماتم زده کودکان نادر آن کارگر شهرداری که سه روز پیش قربانی ماین طالبان شد، حساسیت برانگیز است، باید گریست اما چشم میباید.»

فیروز در نامه‌یی که برای اعضای خانواده‌اش نوشته از آنها پوزش خواسته و گفته است که وی هیچگاه نتوانسته بی‌عدالتی و بی‌عزتی بانوان کشورش را ببیند .

در نتیجهٔ مرگ بوعزیزی در تونس، ده‌ها میلیون انسان به پا خیستند و خواهان عدالت شدند؛ اما به‌نظر می‌رسد مرگ فیروز در کابل، بازتاب آنچنانی نداشته است؛ چه رسد به این‌که دگرگونی‌بی‌ر را در جامعهٔ افغانستان به وجود آورد. او خودش را آتش زد تا عدالت در جامعهٔ ما برپا شود و دامن ظلم، بی‌عدالتی و خودسری برچیده شود. اما شوربختانه روحیهٔ جمعی نشان می‌دهد که دست‌یافتن ما به آرمان‌های بزرگی که فیروز در سر می‌پروراند و خودش را به خاطر آن آتش زد، دشوار و حتا ناممکن است.

## هیچگاه با کابل این قدر...

کرده است. رضوان اختر ربیس آی‌اس آی نیز در ماه های اخیر بارها به کابل سفر کرده است. پاکستان حدود سه ماه پیش میزبان اشرف غنی بود.

ارتش پاکستان اعلام کرد جنرال رحیل شریف فرمانده ارتش روز سه شنبه در کابل با اشرف غنی ربیس جمهور افغانستان ملاقات کرد و دو طرف درباره تقویت و تحکیم امنیت و تداوم عملیات علیه شبه نظامیان طالبان مذاکره کردند.

بعد از به پایان رسیدن دوره سیزده ساله حکومت حامد کرزی ربیس جمهوری سابق افغانستان که از آن به عنوان دوران سرد و بی‌اعتمادی میان کابل و اسلام آباد یاد می‌شود، پاکستان سخت در تلاش است تا نظر و اعتماد دولت جدید افغانستان را جلب کند و تشویق و ترغیب طالبان افغانستان برای مذاکره با دولت اشرف غنی، یکی از بزرگترین خواسته های اسلام آباد است.

پاکستان از نفوذ بالایی در میان طالبان افغانستان برخوردار است و تلاش می‌کند تا با ایجاد صلح میان طالبان و دولت کابل، فضایی برای نقش آفرینی طالبان در دستگاه قدرت افغانستان ایجاد شود و در این صورت، پاکستان عملاً نفوذ و کنترل بیشتری بر افغانستان خواهد داشت.

## قانون حق دسترسی به...

به ملت پاسخگو باشند.»

**زمان توشیح قانون**

با این حال، نی یا موسسه حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان، خواستار اجرایی‌شدن قانون حق دسترسی به معلومات شد و مسوولین این نهاد می‌گویند که امکان دارد در جریان تطبیق با نواقص دیگری نیر برخورد شود که نیاز به تعدیل باشد.

صدیق الله توحیدی، مسوول دیدبان رسانه‌های آزاد افغانستان گفت: «در زمینه پیشنهادهاتی که صورت گرفته هم حکومت و هم وزارت عدلیه، مجلس وزرا و هم پارلمان باید غور کنند که چه‌گونه می‌توانند این تعدیلات لازم را وارد (قانون دسترسی به معلومات) کنند.»

آقای توحیدی همچنین گفت که برای اجرایی‌شدن قانون حق دسترسی به اطلاعات، این قانون در مرحله کنونی تمام ارگان‌های دولتی را مکلف می‌سازد تا دفاتری را به نام اطلاع رسانی ایجاد کنند تا طبق قانون، اطلاعات از طریق دفاتر مذکور در معیاد معین در اختیار متقاضیان قرار داده شود.

کُند کاری حکومت

اما آقای توحیدی علاوه کرد که تا کنون حکومت چنین دفاتری را ایجاد نکرده و کمیسیون نظارت بر دسترسی به اطلاعات نیز تا هنوز ایجاد نشده است.

به گفته آقای توحیدی، یکی از پیشنهادات آنان قبل از توشیح و بعد از توشیح قانون این بوده که کمیسیون نظارت بر دسترسی به اطلاعات باید یک کمیسیون مستقل و دایمی در چوکات دولت باشد.

اما این خواست موسسه حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان قبل از توشیح قانون حق دسترسی به اطلاعات بنا بر تورم تشکیلاتی و مسایل بودیجه‌یی از سوی حکومت پذیرفته نشد.

## چرا عاقل کند کاری که باز...

و به‌حق که «آزموده را آزمودن خطاست!» در نتیجه به نظر می‌رسد که «مسألهٔ بودن یا نبودنی» که امروز دولت‌مردان ما با آن مواجه شده‌اند، موضوع مهمی‌ست که به‌آسانی و بدونِ از خودگذری نمی‌توان برای آن پاسخی یافت.

جدا از این موضع‌گیری‌های سیاسی که برای سیاست‌مداران ما بسیار حیاتی پنداشته می‌شود؛ به نظر می‌رسد که خواستِ مردم و شرط عقل نیز یک معیار واضح و مبرهن است. مردم ما همه برای حمایت از انتخابات ریاست جمهوری گذشته، تا پای جان ایستادند و با قاطعیت برای پیروزی یک روند دموکراتیک تلاش کردند. با وجود آن، تقلب و مهندسی انتخابات و همچنین ضعف مدیریتی مدیران کمیسیون‌های انتخاباتی، روزهای سیاه و ملتهب بسیاری را برای مردم به ارمغان آورد. حالا که تنها ۵ ماه از آن روزهای تلخ می‌گذرد و همهٔ مردم آن سیاه‌روزی‌ها را به‌وضوح به خاطر دارند، بیش از هر چیز دیگری خواهان پیش‌گیری از تکرار آن هستند. برای پیش‌گیری از تکرار آن تجربهٔ ناکام هم نیاز است تا تجدید نظری در رابطه با قوانین انتخاباتی، ساختارهای انتخاباتی و مدیران ضعیف یا فاسد انتخاباتی صورت گیرد. تنها با چنین اصلاحاتی است که مردم حاضر می‌شوند در انتخابات خطیر پارلمانی آینده، بازم هم یک بار دیگر به پای صندوق‌های رای بروند؛ «چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟»

بدون این اصلاحات نه رای‌دهنده‌یی حاضر می‌شود که انگشش را رنگی کند و نه هم تمویل‌کننده‌یی حاضر به تمویل این انتخابات می‌شود. پس بار دیگر تأکید می‌شود که سران دولت وحدت ملی اگر می‌خواهند به بازی ادامه دهند، باید به قواعد بازی احترام بگذارند و در یک بازی دموکراتیک به نفع مردم و منافع ملی گام بردارند و چه این‌که از خود گذری کنند!

# ورزش



مربی جدید تیم فوتبال افغانستان:

## بازیکنانم را با فوتبال اروپا آشنا می‌کنم!



اسلاون اسکلیزیچ بوسنیایی که تازه‌گی به عنوان سرمربی جدید تیم ملی فوتبال افغانستان معرفی شده است، می‌گوید که برنامه‌های جامعه و مفیدی را برای پیشرفت تیم جدیدش روی دست دارد. آقای اسکلیزیچ که در شهر برلین آلمان با خبرنگاران صحبت می‌کرد تأکید کرده است که فوتبال‌لیست‌های افغانستان را با فوتبال نو و اروپا آشنا خواهد کرد. گفتنی است که پس از زخمی شدن یوسف کارگر مربی پیشین تیم ملی، فدراسیون فوتبال افغانستان آقای اسکلیزیچ را به عنوان مربی جدید تیم ملی معرفی کرد. باید یادآور شد که آقای اسکلیزیچ عمر فوتبالی خود را در آلمان سپری کرده و سابقه مربی‌گری در تیم‌های متعددی را در کارنامه دارد. این مربی ۴۳ ساله تا چندین سال قبل مربی تیم ۱۹ سال اف اس وی فرانکفورت آلمان بود. وی قبلاً تیم ۲۳ سال این باشگاه را نیز مربی‌گری کرده است. مربی جدید تیم ملی فوتبال افغانستان همچنین مربی‌گری تیم های ۱۹ سال و ۱۷ سال انترخت فرانکفورت، هانسا روستوک و هانوفر را به عهده داشته است.

ونگر:

## هواداران نژادپرست چلسی رقت‌انگیزند

سرمربی فرانسوی توپچی‌ها آن دسته از هواداران چلسی را که سه‌شنبه شب هفته گذشته در پاریس صراحتاً به نژادپرست بودن خود اعتراف کردند، رقت‌انگیز و وقیح توصیف کرد. آرسن ونگر نیز به جمع منتقدانی پیوست که اقدام جنجالی اخیر هواداران چلسی در پاریس، پیش از بازی تیم‌شان برابر پاری سن ژرمن در لیگ قهرمانان اروپا را محکوم کرده‌اند. در آن ماجرا گروهی از هواداران چلسی که سه تن از آنها شناسایی شده‌اند، مانع ورود یک هوادار سیاه‌پوست به قطاری در متروی پاریس شدند و پس از آن هم این شعار را سر دادند: «ما نژادپرستیم و دوست داریم که نژادپرست باشیم». آرسن ونگر که از اهانت هواداران چلسی به هموطن خود ناراحت شده است، به خبرنگاران گفت: حرکتی که هواداران چلسی انجام دادند رقت‌انگیز و وقیحانه بود. متأسفانه از این نوع اتفاقات را زیاد تجربه کرده‌ایم اما با چنین حادثه‌یی در این ابعاد باید برخوردی بسیار جدی‌تر داشت. این یک مشکل اجتماعی است. هیچکس برای آن



فیگو:

## فیفا به تغییرات بنیادی نیاز دارد



لویس فیگو می‌گوید قصد دارد اصلاحات جدیدی در صورت انتخاب به عنوان رییس فیفا در دستور کار خود قرار دهد. او معتقد است این نهاد به رییس جدیدی نیاز دارد. لویس فیگو یکی از نامزدهای ریاست فدراسیون بین‌المللی فوتبال است. او در جدیدترین مصاحبه خود از اصلاحات جدیدی سخن گفت که در صورت انتخاب به عنوان رییس فیفا قصد انجام آن را دارد. فیگو در گفت‌وگو با دیلی استار درباره اقدامات خود در صورت انتخاب به عنوان رییس فیفا گفت: می‌خواهم تعداد تیم‌های جام جهانی را از ۳۲ تیم به ۴۸ تیم برسانم و تعداد تیم‌ها را در این جام افزایش دهم. لویس فیگو که در حال حاضر ۴۳ سال دارد، پس از خداحافظی‌اش در شش سال پیش، از صحنه فوتبال کنار نرفت و بلافاصله از مدیران باشگاه اینتر شد. فیگو در ادامه گفت: در سال‌های گذشته اتفاقات زیادی در فوتبال رخ داد. با خیلی از مدیران و بازیکنان و مدیران فوتبالی صحبت کردم و آنها هم مثل من معتقد بودند که فیفا در بحران گرفتار شده و روز به روز هم بدتر می‌شود. فیفا نیاز به تغییرات دارد و من برای همین موضوع است که نامزد ریاست این نهاد شدم. من کسی نیستم که وقتی به عنوان رییس فیفا انتخاب شوم هیچ کاری نکنم و بگویم همه چیز خوب است. از همین الان اعلام می‌کنم که این نهاد مشکلات زیادی در

که همین کشورها با کشورهای دیگر دارند بازهم به افغانستان برق را ارزان می‌فروشد. آقای توحیدی می‌افزاید: به خاطر این که پول قرار داد خود را با کشورها تکمیل کنیم، ناگزیر اندکی هزینه را بلند بردیم که از ۵۰۰ پول الی یک افغانی را در بخش بندی‌های خود افزود آورده ایم. رییس ارتباط عامه ریاست برشنا همچنان گفت که چانه زنی‌های این شرکت ادامه دارد و هر زمانی که کشورها تاجکستان، ایران و ازبکستان قیمت را ارزان ساختند ما هم تعرفه‌ها را پایین می‌آوریم. دولت افغانستان از چند سال بدین سو برق مورد نیاز شهروندان را از تاجکستان، ایران و ازبکستان تأمین می‌کند که علاوه بر این در شماری از ولایات با استفاده از دیزل جنراتورها برق برای مردم رسانده می‌شود. در جریان سال‌های گذشته و با توجه به کم کاری‌ها دولت مردان در این زمینه، هنوز هم شماری از مناطق پایتخت و ولایات از نور برق بی بهره اند. هم‌چنان، در جریان هفته گذشته، ده‌ها تن از باشندگان هرات در پی بلند رفتن پول صرفیه برق در این ولایت در مقابل ساختمان ریاست برق این ولایت دست به اعتراض زده و خواهان پایین آوردن قیمت صرفیه برق از سوی مسولان دولت وحدت ملی شدند. این اعتراض کنندگان گفته اند، افزایش قیمت صرفیه برق از مشکل‌های دیگری است که در کنار پدیده‌های چون ترور، اختطاف و بد امنی دامن‌گیر آنها شده است. معترضان هم‌چنان گفته اند در صورتی که به مشکل آنها توجه نشود، دیگر حاضر به استفاده از انرژی برق در خانه‌های شان نخواهند بود.

شهروندان افزودی بیاورند و قرارداد خود را تکمیل کنند. استاد سیحون می‌افزاید: دولت افغانستان از ابزارهای دست داشته خود که گمرکات و تعرفه‌ها است، استفاده می‌کند و همواره افزودی می‌آورد. به باور این استاد دانشگاه، در کشوری مانند افغانستان که سطح اقتصادی مردم پایین است به این معنا است که دولت هر قدر که در این تعرفه‌ها افزودی بیاورد سطح درآمد مردم کاهش می‌یابد و نا رضایتی مردم بیشتر می‌شود. آقای سیحون هم‌چنان می‌گوید که بلند بردن قیمت برق، عدم پرداخت، بازار سیاه و سوء استفاده از برق را در میان شهروندان بیشتر می‌سازد که برای اقتصاد قانون‌مند زیان‌بار است. این استاد دانشگاه با انتقاد از کارکردهای شرکت برشنا می‌گوید: این شرکت ابزارهای درست برای مدیریت برق ندارند و نمی‌توانند خدمات معیاری را عرضه کنند. آقای سیحون تأکید می‌کند که این برخورد شرکت برشنا سبب می‌شود تا مردم از برق استفاده نکنند و زیان‌های مالی به این شرکت وارد شود. مسولان در شرکت برشنا می‌گویند که آنان به خاطر تکمیل کردن پول‌های قرار دادی خود در صرفیه‌های برق افزودی آورده اند. وحیدالله توحیدی رییس ارتباط عامه شرکت برشنا می‌گوید: کشورهایی که در زمینه برق با افغانستان قرار دارند در قیمت‌های خود افزودی آورده اند و ما در بخش‌بندی‌هایی که داریم قیمت برق را بلند برده ایم. آقای توحیدی هم‌چنان می‌گوید: با توجه به قرار دادهایی

## اعتراض شهروندان...

کابل با ابراز نا رضایتی از بلند رفتن قیمت برق می‌گوید که با تشکیل دولت وحدت ملی امیدوار بودیم که زنده‌گی‌مان خوب می‌شود؛ اما با گذشت هر روز وضع ما بدتر شده می‌رود. محمد شریف شهروند دیگر کابل نیز با نگرانی از افزایش قیمت صرفیه برق می‌گوید: «رهبران دولت وعده داده بودند که در دست‌خوان‌تان تغییر می‌آوریم و اقتصادتان را بهتر می‌سازیم؛ اما خلاف این وعده‌ها عمل کردند.» او می‌گوید، اگر قیمت برق ارزان نشود، از برق استفاده نخواهد کرد. غلام سرور که در سرای شمالی بولانی می‌فروشد تا خواست‌های خانواده هفت نفره‌اش را تأمین مند نیز از بلند رفتن صرفیه برق شاکی است. او می‌گوید: «یک‌سال منتظر ماندیم تا دولت نو بپایه و زنده‌گی ما مجبور شوه؛ اما از وقتی این دولت آمده هر روز وضعیت اقتصادی مردم خراب می‌شود.» این شهروند می‌گوید: ما نان خوردن نداریم؛ اما دولت پول برق را بالای ما بلند می‌برد. هم‌چنان، شماری آگاهان می‌گویند که بلند رفتن قیمت برق زیان‌های زیادی را به اقتصاد کشور وارد کرده است. سیفال‌الدین سیحون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل با بیان این‌که افغانستان زمینه‌های خوبی برای تولید انرژی برق دارد، می‌گوید: در تمام کشورها تلاش می‌شود که این خدمات به تمامی شهروندان به گونه یکسان رسانیده شود؛ در افغانستان چون برق خریداری می‌شود مسولان چاره‌یی ندارند جدایی از این که بالای

## اهمیت توازن قومی در سه قوه...

تصمیم‌گیری جمعی، دیدگاه‌های مشترک و حاکمیت عادلانه سرآغاز همین مشترکات به شمار می‌روند. آجندای ملی دقیقاً بزرگ‌راهی‌ست در همین مسیر. مشارکت فعالانه تمامی نخبگان از اقوام و اقلیت‌ها مختلف در هر سه پایه اساسی دولت (اجرایی، نظام قضایی، قوه قانون‌گذاری) میکانیزم و موتور دولت وحدت ملی را تشکیل می‌دهد. بنابراین در رأس هر یک، نهاد ریاست جمهوری، بخش اجرایی، نظام قضایی، قوه مقننه و بخش معاونت‌های شان از اقوام مختلف قرار گیرد تا الگوی وحدت ملی به نمایش گذاشته شود و همه در چرخه تصمیم‌گیری کشور سهیم باشند. اما اعضای کابینه بدون باج‌دهی سیاسی به گروه‌ها و تیکه داران قومی و زورمندان شکل گیرد تا اینکه حقوق شهروندی به خطر نیفتد. سهمیه بندی‌های میکانیکی با ترکیب غیر متعادل منجر به غیر عادلانه‌شدن، بی‌قاعدگی، بی‌قانونی و باعث ایجاد تضادهای جدید خواهد گردید. پس اگر تهداب و اساس دولت وحدت ملی را به خصوص در بخش تصمیم‌گیری‌ها در این مرحله گذار تا رسیدن به دولت ملی تمام عیار حضور مستدام اقوام تشکیل دهد، ترکیب کابینه قطعاً باید به اساس توانمندی مدیریتی، تخصص و تعهد باشد.

برگرفته از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

## دو جوان عاشق در کندز زهر خوردند



مقامات محلی ولایت قندوز می‌گویند که دو جوان عاشق در این ولایت زهر خوردند. این دو دلداره که یکی پسر ۲۲ ساله و دیگری دختری ۱۸ ساله بوده است به تازگی از نزد خانواده‌های شان در کابل فرار کرده و به ولسوالی امام صاحب رفته بودند. گفته می‌شود که آنها از سالها به این سو با هم آشنا بودند و قصد ازدواج داشتند. با وجود چندین بار خواستگاری پسر از دختر، خانواده دختر راضی به این وصلت نشده است و در نتیجه آنها دست به فرار زدند.

مقامات محلی قندوز می‌گویند که این دو جوان در خانه یکی از نزدیکان پسر در ولسوالی امام صاحب اقامت داشتند اما زمانی که با خبر می‌شوند که خانواده دختر از محل اقامت آنها باخبر شده و قصد جدایی آنها را دارند، تصمیم به خودکشی گرفته‌اند. ناهیده آصفی رییس امور زنان قندوز می‌گوید که دختر و پسر هر دو مرگ موش خوردند اما دختر جان خود را از دست داده و پسر زنده مانده است. دکتر موظف در شفاخانه حوزوی قندوز به بی بی سی گفت که دختر به دلیل خوردن زهر بیشتر جان داده اما پسر نجات یافته و اکنون در وضعیت صحتی خوب است.

ازدواج در جامعه سنتی افغانستان هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها تنها با رضایت خانواده و به خواست والدین صورت می‌گیرد. فرار از خانه همراه با مرد مورد علاقه و یا به خاطر نجات از ازدواج‌های اجباری یکی از راه حل‌های پاسخ دهی به این وضعیت است که با وجود سکوت قانون، به اساس عرف جرم پنداشته می‌شود و اکنون شماری از زنان به اتهام آن در زندان به سر می‌برند.

## دیدهبان شفافیت:

# قانون حق دسترسی به اطلاعات تعدیل شود

مسولان این نهاد می‌گویند که پس از ارزیابی‌های دقیق با نهادهای جامعه مدنی، رسانه‌ها و کارشناسان بین‌المللی دریافته‌اند که قانون حق دسترسی به اطلاعات دارای مشکلات مشخص می‌باشد.

مسولان دیدبان شفافیت افغانستان افزودند که در همکاری با رسانه‌ها، کارشناسان بین‌المللی قوانین و نهادهای جامعه مدنی، پیشنهادات مشخص را به منظور بهبود قانون حق دسترسی به اطلاعات ارائه کرده‌اند.

میرویس ناصری مسول ارتباطات دیدبان شفافیت گفت: قانونی که توشیح شده در بسیاری موارد وضاحت ندارد و برای متقاضیان اطلاعات، مشکل آفرین می‌باشد.

قانون ناقص آقای ناصری افزود که کمیسیون نظارت بر دسترسی به اطلاعات مستقل نبوده، چون از لحاظ اداری و مالی به وزارت اطلاعات و فرهنگ وابسته‌گی دارد.

به گفته او، اصطلاحاتی چون: امنیت ملی، منافع ملی و مصالح ملی، در قانون دسترسی به اطلاعات، به گونه واضح تعریف نشده است.

آقای ناصری همچنین اضافه کرد که سازمان دیدبان شفافیت از چند سال به این سو به خاطر تصویب قانون حق دسترسی به اطلاعات دادخواهی کرده است، ولی این قانون با «نواقص و مشکلات زیادی» توشیح شد.

آقای ناصری گفت قبل از توشیح این قانون نیز این پیشنهادات را مطرح کرده بودند، اما به دلایلی شامل قانون نشده است.

آقای ناصری افزود: «زمانی که ما یک قانون دسترسی به اطلاعات قوی نداشته باشیم و متقاضیان به اطلاعات دسترسی نداشته باشند، چه‌گونه یک حکومت، رییس جمهور و رییس اجرایی و مقامات بلندرتبه دولتی، می‌توانند...»

ادامه صفحه ۶



سازمان دیدبان شفافیت افغانستان می‌گوید که «قانون حق دسترسی به اطلاعات» ضعیف است و نیاز به تعدیل دارد.

این قانون که اخیراً از سوی مجلس تصویب شد؛ به تازه‌گی رییس جمهور غنی آن را توشیح کرد.

این نهاد با ارائه پیشنهادات مشخص، از دکتر غنی خواست که پیشنهادات آنان را با صدور فرمانی وارد قانون حق دسترسی به اطلاعات کند.

## برنامه شعری «زمزمه‌های بهمن» در کاپیسا برگزار گردید

هارون مجیدی



برنامه ادبی زمزمه‌های بهمن که ویژه شعرهای زمستانی و موسیقی است، روز پنجشنبه از طرف انجمن شاعران و نویسندگان ولایت کاپیسا در مرکز این ولایت برگزار گردید.

در این برنامه، شماری از شاعران و نویسندگان از پنجشیر، پروان، کاپیسا و کابل اشتراک کرده بودند.

دکتر محمد اکرم خاموش رییس انجمن شاعران و نویسندگان کاپیسا، در پیوند به این برنامه، به روزنامه ماندگار گفت: «زمزمه‌های بهمن نام برنامه‌های شعری امسال ما است که از آغاز زمستان تا این دم هفته یکبار این برنامه را راه اندازی می‌کنیم». آقای خاموش راه‌اندازی این‌گونه برنامه‌ها را مثبت ارزیابی کرده گفت: برنامه زمزمه‌های بهمن تا اخیر زمستان ادامه خواهد داشت که در این جریان، ما مهمان‌های زیادی را از ولایات دیگر نیز به این برنامه دعوت خواهیم کرد.

رییس انجمن شاعران و نویسندگان کاپیسا، همچنان گفت: این انجمن، صنف‌های جداگانه را به منظور آموزش شعر و نویسندگی برای بانوان و پسران ایجاد می‌کند. آقای خاموش کم رونق بودن مطالعه را در کاپیسا از مواردی می‌داند که سبب شده تا این انجمن به اهداف خود به گونه واقعی نرسد. او می‌گوید: این انجمن در نظر دارد تا نشریه‌ها و برنامه‌های خود را گسترش دهد.

آقای خاموش می‌افزاید: انجمن شاعران و نویسندگان کاپیسا توسط اعضا و شماری از شخصیت‌های خیر حمایت می‌شود.

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200